

تحقیقات ایران شناسی

اروپایی است، اما در سطر پنجم چنان نشان داده شده که گویی آن از پارسی باستان جدا شده است.

نکته‌ی دیگر این که معلوم نشده است که کلمات فارسی دخیل در عربی مستقیماً به زبان عربی راه یافته‌اند یا دخول آنها مع‌الواسطه صورت گرفته است.

ASMUSSEN, Jes. P. "Simorgh in Judeo-Persian Translations of the Hebrew Bible"
«سیمرغ در ترجمه‌های فارسی-یهودی تورات عبری»
in *Iranica Varia: Papers in Honor of Professor E. Yarshater*. Leiden, Brill, 1990, PP. 1-5.

مؤلف، پس از بیان این نکته که «سیمرغ» در ادبیات فارسی (و نیز *sēnmurw* در پهلوی، و ظاهراً *saēna* در اوستایی) همواره بر پرنده‌ای اسطوره‌ای اطلاق شده است نه بر عقاب (در فارسی: *aluh* / آله)، نشان می‌دهد که، در متون فارسی-یهودی (فارسی-یهودیان ایرانی)، «سیمرغ» همواره بر «عقاب» دلالت می‌کند نه بر پرنده‌ای افسانه‌ای؛ و احتمال می‌رود که این معنی تداوم معنایی باشد که *saēna* در اوستا داشته است، یعنی عقاب.

BAEVSKIJ, S.T. *Rannjaja persidskaja Leksikografija, XI-XV vv.*,
(فرهنگ‌نویسی فارسی در قرن‌های پنجم تا نهم هجری)
Moskova, Nauka, 1989, 166 p.

در بخش اول، مؤلف، با جمع‌بندی حاصل مطالعاتی که از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ تا کنون منتشر کرده است، طرحی ترکیبی از فرهنگ‌نویسی فارسی در قرن‌های پنجم تا نهم هجری به دست می‌دهد. وی نخست تاریخچه‌ی مطالعات و تحقیقاتی را که در این زمینه انجام گرفته است بیان می‌کند و مخصوصاً بر نقش

Asbaqhi, A. *Persische Lehnwörter im Arabischen*.
(کلمات دخیل فارسی در عربی)
Wiesbaden, Harrassowitz, 1988, 286S.

گفت و گو از کلمات دخیل خارجی در زبان عربی سابقه‌ی دیرین دارد. لغویون سلف و محققان امروزی در زبان قرآن کریم نیز تعدادی واژه‌ی ایرانی شناسایی کرده‌اند که حاکی از روابط قدیم زبان‌های ایرانی و زبان عربی است. تألیف اسبقی، با عنوان فریبنده‌اش، می‌توانست سرگرم‌کننده و آموزنده باشد، اما فقط فهرستی است از کلماتی که از لغت‌نامه‌ها گردآوری شده‌اند و در آن لغت‌نامه‌ها ریشه‌ی آنها ایرانی یا فارسی اعلام شده است. یکی از رشته‌های دلکش علوم ادبی و زبان‌شناسی ریشه‌شناسی است. خواننده‌ی کتاب‌های این رشته‌ها خوش دارد بدانند مثلاً فلان کلمه‌ی فارسی اول‌بار در کدام متن عربی آمده است. افزون بر این، تجزیه و تحلیل آواشناختی به نویسنده و خواننده کمک می‌کند تا زمان ورود کلمات دخیل را تعیین کند. اما ایراد اصلی و عمده‌ای که بر این کتاب وارد است فقدان دقت در امر ارائه‌ی نکات زبان‌شناختی است. مثلاً در مدخل *warda*، به معنای گل، صورت‌های عجیبی از هند و ژرمانی، یونانی، اوستایی، عبری، آرامی، پهلوی، لاتین... نقل شده‌است و ریشه‌ی آن *uirdho* دانسته شده است و نه حتی *verdho* که آن هم بی معنی است و درست آن *varad* به معنای رشد کردن است که *balیدن* فارسی از آن جدا شده است.

دیگر این که وجه‌کاربرد نشانه‌های < و > روشن نیست، چون از همان سطر اول کتاب چنان به کار رفته‌اند که گویی واژه‌ی مدخل یونانی مشتق از هند و

(ص ۱۵۵-۱۶۵) بر فواید کتاب افزوده است.

Behzad, Faramarz. *Deutsch-Persisches Wörterbuch*
Forschungsforum: (فرهنگ آلمانی - فارسی)
Berichte aus der Otto-Friedrichs-Universität
Bamberg 2 (1990), pp. 123-127.

نمود روز افزون واژه‌های بیگانه به زبان فارسی و شکل‌گیری واژگانی تازه و تألیف و انتشار فرهنگ واژه‌های نوکار تألیف فرهنگ آلمانی-فارسی را ضروری می‌سازد و توجیه می‌کند. فرهنگ تازه‌ی فرامرز بهزاد، که حاوی قریب پنجاه هزار مدخل است، از جهت نوآوری و امروزی‌نگی بر فرهنگ عباسی ترجیح دارد و از لحاظ محتوا نیز، با توجه به کار دقیق و متأسفانه ناتمام شادروان پروفیسور آیلرس، تدوین شده است. بهره‌گیری از رایانه به مؤلف امکان داده است تا فرهنگ فارسی-آلمانی را نیز به سرعت تدوین و منتشر کند. در این زمینه تاکنون فرهنگ یونکرس-علوی وجود داشته است که آن هم البته کهنه شده است و فاقد اصطلاحات امروزی است.

Bolognesi, G. "Iranien et arménien: problèmes et perspectives"
 (زبان‌های ایرانی و زبان ارمنی: مسائل و چشم‌اندازها)
 in: A. Gnoli A. Panaino (eds), *Proceeding of the First European Conference of Iranian Studies* (Turino, Sep. 7th-11th, 1987). ... I: *Old and Middle Iranian Studies*, Roma, Ismeo (1990), pp. 57-68.

در روزهای هفتم تا یازدهم سپتامبر ۱۹۸۷، اولین کنفرانس اروپایی مطالعات ایرانی، به همت انجمن ایران شناسی اروپا، در شهر تورینوی ایتالیا برگزار شد و حاصل سخنرانی‌ها به صورت دو کتاب به نام‌های *مطالعات مربوط به زبان‌های پارسی باستان و میانه و مطالعات مربوط به فارسی میانه و نو در رُم* انتشار یافت.

نویسنده‌ی مقاله‌ی «زبان‌های ایرانی و زبان

مهم و قدیمی روس‌ها (که از ۱۷۱۶ م آغاز شده است) و، پس از آنان، شوروی‌ها تأکید می‌کند، بی‌آن‌که سهم محققان اروپایی و ایرانی را نادیده انگارد. مؤلف، در فصل دوم، به شناسایی ردپا و آثار غیر مستقیم نخستین فرهنگ‌های فارسی که از میان رفته‌اند می‌پردازد و، در فصول بعد، از فهرست تفصیلی لغت نامه‌هایی که در قرن‌های پنجم تا نهم در ایران و در قرن‌های هفتم تا نهم در هند نوشته شده‌اند و نیز فرهنگ‌های دو زبانه‌ی عربی-فارسی یاد می‌کند.

مؤلف، در اثر دیگری، به تفصیل درباره‌ی فرهنگ‌های دو زبانه‌ی عربی-فارسی گفت‌وگو کرده بوده است و لذا در اینجا به بحث درباره‌ی فرهنگ‌های فارسی تألیف شده در ایران و هند می‌پردازد و در هر مورد توضیح نسبتاً کاملی درباره‌ی مؤلف فرهنگ، تبویب آن و محتوای آن (همراه با نمونه) می‌دهد و اگر به چاپ رسیده باشد نسخه‌ی چاپی آن را هم معرفی می‌کند.

در بخش دوم، مواد کار دسته‌بندی و تعریف و ضمن آن اصول روش شناختی تألیف فرهنگ بیان شده است. این روش‌ها عمدتاً الفبایی هستند، چون مقصود از آنها قبل از هر چیز این است که معنی اصطلاحات نادر و قدیمی یا متعلق به گویش‌ها که وارد زبان شعر شده‌اند (فصل چهارم) به دست داده شود. افزون بر این، مؤلف واژگانی را که در این فرهنگ‌ها به کار رفته از نظر تاریخ فرهنگی بررسی کرده است و در این زمینه به اصطلاحات، مثل اصطلاحات مربوط به پوشاک و بافندگی (فصل پنجم)، توجه خاص داشته است. در سراسر کتاب، مثال‌های متعدّد به فارسی همراه با ترجمه‌ی روسی آنها نقل شده است. سال شمار تألیف فرهنگ‌ها (ص ۱۴۷-۱۷۱) و کتاب‌شناسی عنوان‌ها به زبان‌های روسی، تاجیکی، زبان‌های اروپایی و فارسی

می‌پردازد. در پایان، صورت الفبای آسی آمده است.

Eilers, Wilhelm. *Die Mundart von Sivand*
(گوش سیوند). Stuttgart, Franz Steiner, 1988,
376 p.

سیوند روستایی است در چند کیلومتری شمال شیراز بر سر راه اصفهان که، بدین‌سان، بر سر راه مسافران قرار دارد. در عین حال، گوش آنجا دست نخورده مانده است و این امری شگفتی‌آور است که توجه محققان را به خود جلب می‌کند. وانگهی گوش سیوندی دارای خصوصیتی است که آن را از دیگر گوش‌های رایج در فارس متمایز می‌سازد. سرانجام این گوش یکی از نادر گوش‌های ایرانی است که در آن /x/ به /f/ تبدیل شده است و از این می‌توان دریافت که سیوندی در روشن شدن مباحث مربوط به کلمه‌ی قرنه/خورنه- که آن را واژه‌ای مادی می‌دانند- چه نقشی ایفا کرده است.

ویلهلم ایلرس در اینجا حاصل تحقیقی را که در سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ در منطقه انجام داده و در سال ۱۹۷۶ تکمیل کرده است عرضه می‌کند. در این کتاب، علاوه بر مباحث مربوط به دستور زبان، چندین متن سیوندی و یک واژگان مفصل گردآمده است.

Elfenbein, Josef. "Brahui" (گوش براهویی).
in: *Encyclopaedia Iranica*, 4.4 (1989), pp.433-443.

الفنباين به تخصص در زبان بلوچی شهرت دارد، اما حدود پانزده سال است که به تحقیق درباره‌ی گوش براهویی نیز سرگرم است. خواننده، به محض مطالعه‌ی مقاله‌ی او، دلیل این توجه را در می‌یابد: درست است که براهویی‌ها به زبان دراویدی سخن می‌گویند؛ اما، هم از جهت تاریخ هم از نظر ساختارهای قومی و اجتماعی، و هم به لحاظ

ارمنی...»، پیش از هر چیز، به رد قول حاکی از آن پرداخته است که اول بار هوبشمان ثابت کرده بوده که ارمنی از زبان‌های مستقل هندو اروپایی است نه گوش. آنگاه یادآوری می‌کند که فرضیات بی‌شمار هوبشمان و بنونیست و دیگران درباره‌ی منشأ احتمالی ایرانی بسیاری از کلمات ارمنی، از طریق داده‌های واژگانی تازه‌ی اسناد مکشوف در مرکز آسیا، تأیید شده است. اما زبان ارمنی مخصوصاً از این جهت سودمند است که حاوی بسیاری از واژه‌های ایرانی است که در متون زبان‌های ایرانی یافت نمی‌شوند و در نتیجه بررسی نشده‌اند. مؤلف نمونه‌هایی از این کلمات به دست داده است.

Chrastol, Alain. "Introduction à l'ossète.
Éléments de grammaire comparée".
(درآمدی بر زبان آسی، عناصر دستور تطبیقی)
Lalies (1990), pp. 7-50

آسی زبانی است که در قسمتی از نواحی کوهستانی قفقاز مرکزی رایج است و در میان زبان‌های ایرانی کنونی دارای مقامی خاص است و از نظر اختصاصات کهنی که دارد در مطالعه‌ی گروه زبان‌های ایرانی مقام مهمی را احراز کرده است. به همین دلیل، از دیرباز تا کنون، تحقیقات گوناگون بسیار در این زمینه انجام گرفته است که تحقیق حاضر از بهترین و دقیق‌ترین آنهاست. این تحقیق درآمدی بس عالی بر شناخت تحول تاریخی دستور زبان آسی است و آنچه را که میلر در *Grundriss* (مختصر، ۱۹۰۳) نوشته بود به گونه‌ای نو بیان و به کسانی که نمی‌توانند به تحقیقات و انتشارات روسی دسترسی داشته باشند خدمتی ارزنده می‌کند.

مؤلف، پس از مقدمه‌ای کوتاه در باب آسی‌ها و زبان‌شناسان، تاریخ آواشناسی زبان آسی را به نحوی بدیع، آن هم بر مبنای پانزده کلمه، بیان می‌کند و، پس از آن، به توصیف دستور زبان و اشتقاق اسم و فعل

می‌تواند مورد استفاده‌ی عام باشد. اما ضعف مؤلفان در زبان فارسی تأسف آور است که چه بسا از تماس اندک آنان با فارسی معمول امروز ناشی شده باشد. مثلاً در میان معادل‌ها «فاسد کردن» به جای «به فساد کشاندن» یا «اضافه بار کردن» به جای «اضافه بار زدن» یا «اضافه بار داشتن» دیده می‌شود. در چند مورد هم معادل‌هایی که به دست داده شده‌اند زیاد به معنای مخالف برابری‌های درست‌اند. در چند مورد هم اشتباه ترجمه و دریافت به چشم می‌خورد؛ مثلاً به جای «رین تا درشت»، «از سرخ تا سیاه» یا «به جای جنگ زگرگی» «دعوی تقلب» آمده است.

FERRARO, Felicetta. "Household and Family. Some Ethno-Lexical Aspects in Baluchi" «خانه و خانواده، بعضی از جنبه‌های قومی-واژگانی در زبان بلوچی» *Newsletter of Baluchistan Studies*. 7(1990), pp. 15-28.

این اثر نگاهی اجمالی است به واژگان مربوط به مناسبات خویشاوندی در بلوچی. در این تحقیق بر سه نکته تأکید شده است: مفهوم خانه/اهل خانه؛ اصطلاحات مربوط به مجموعه‌ی «زن/فرزند». این مقاله چکیده‌ی یک رساله‌ی پایان تحصیلی دوره‌ی دکتری زبان شناسی است که به زودی منتشر خواهد شد.

Filippone, Ela. "The Organization of Space: Cognitive Models and Baluchi Dialectology" «سازمان فضا: مدل‌های شناختی و گویش شناسی بلوچی» *Newsletter of Baluchistan Studies*. 7(1990), pp. 28-40.

این مقاله فشرده‌ی رساله‌ای دکتری است که در ۱۹۹۰ به دانشکده‌ی ناپل ارائه شده است و نویسنده ضمن آن نشان می‌دهد که، به دلیل وجود

صورت کسوتی زبانشان، وابستگی بسیار به همسایگان بلوچ خود پیدا کرده‌اند. مؤلف در این مقاله، به بررسی سرزمین براهویی و تاریخ و جمعیت آن می‌پردازد و تصویری دقیق از صورت‌های مختلف نام آن و محل‌های استقرار قبایل و زبان‌هایی که به کار می‌برند به دست می‌دهد و تداخل شدید زبان و جامعه‌ی براهویی را با زبان و جامعه‌ی بلوچ می‌نمایاند.

Fahim, K., Habibion, J. & Vitor, F. *English-Persian Dictionary of Legal and Commercial Terms*. (فرهنگ انگلیسی به فارسی اصطلاحات حقوقی و بازرگانی) Leiden, Brill, 1990.

فرهنگ اصطلاحات حقوقی و بازرگانی، حاصل همکاری مترجمان پرونده‌ی شکایت ایران از آمریکا در دادگاه لاهه است. کارهایی که پیش از این در این زمینه انجام گرفته بود فردی و غالباً بی‌دقت و خالی از فایده بوده است. اما فرهنگ حاضر، به این دلیل که محصول کار جمعی و نتیجه‌ی تبادل نظر مؤلفان است و در تألیف آن از اشتباهات اسلاف پرهیز شده است، کاری درخور توجه و دقت است، به ویژه که مؤلفان زمینه‌ی کار خود را به دو رشته‌ی حقوق و بازرگانی محدود کرده‌اند، نهایت اینکه بر اصطلاحات امریکایی مربوط به حقوق بین‌المللی خصوصی، حقوق مدنی، حقوق بازرگانی و حقوق جزا تأکید ورزیده‌اند و، در مواردی اندک، اصطلاحات حقوقی اروپایی را به کار برده‌اند.

این کتاب به دانشجوی فارسی زبان در کشورهای انگلیسی زبان امکان می‌دهد تا، آسان و بی‌دغدغه و دور از خطر معادل‌های دل‌بخوایی، برابری‌های مناسبی برای اصطلاحات بیابد. ضمناً در آن به ارتباطات روزمره و عملی بیشتر از ملاحظات فاضل‌مآبانه توجه شده است. در نتیجه این فرهنگ

رضوی پیدا شد. این ترجمه به زبانی است نزدیک به زبان یهودیان ایرانی فارسی زبان. این نسخه را علی رواقی، با مقدمه‌ای، با عنوان *قرآن قدس*، در دو جلد به قطع سلطانی چاپ و منتشر کرده است. ژیلبر لازار، نویسنده‌ی مقاله، با بررسی چند صفحه از این متن، مشخصه‌های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی آن را تعریف می‌کند و معتقد است که ترجمه ظاهراً متعلق به مجموعه‌ی متون گویشی یهودیان خوزستان و فارس است ولی به چندین دلیل متمایز از آنهاست و مشابهتی به بلوچی دارد. لذا می‌توان زبان ترجمه را متعلق به جنوب شرقی ایران و تاریخ تحریر آن را نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم دانست. ترجمه‌ی مقاله‌ی ژیلبر لازار در مجله‌ی *زبان شناسی* (از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی) به چاپ رسیده است.

Lazard, Gilbert. "Le Dialect de Rudbar (Gilan)" (گویش رودبار گیلان), in: *Iranica Varia...*, Leiden, Brill. 1990, pp. 110-123

توصیف کوتاه لهجه‌ی رودباری گیلان همراه با پنج متن کوتاه و ترجمه و توضیحات دستوری.

ORSANI, Paola. "Il Lisan al-šūara: un lessico persiano d'India (se. XIV)" (لسان الشعرا، یک فرهنگ فارسی تألیف شده در هند). *AION* 50, 2 (1990), pp. 143-170.

نشریه‌ی *انجمن مطالعات شرقی دانشگاه ناپل*. در مخزن نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه‌ی فلورانس ایتالیا نسخه‌ای یافت می‌شود که قدیم‌ترین نسخه‌ی شناخته شده‌ی یک فرهنگ فارسی نایاب و قدیمی به نام *لسان الشعرا* و *بیان الفضلا* است که در قرن هشتم در هند تألیف شده است. نسخه متعلق به قرن دهم است. *لسان الشعرا* را شیخ‌زاده‌ی عاشق ظاهراً در اواخر عهد فیروز شاه (۷۵۲-۷۹۰ هـ) نوشته

گویش‌های گوناگون، مرتب کردن داده‌ها در زبان بلوچی دشوار است.

HENRICH, G. S. "Zu einem arabisch-persisch-griechisch-serbischen Gesprächslehrbuch des 15. Jahrhunderts" (درباره‌ی یک خودآموز مکالمه به عربی، فارسی، یونانی و صربی قرن پانزدهم میلادی) *Museon* 102, 3-4 (1989), pp. 361-376.

مؤلف در اینجا به مطالعه‌ی دو نسخه‌ی خطی پرداخته است و آن متنی عربی است که به فارسی، یونانی و صربی ترجمه شده است. کلمات و عبارات این سه زبان به خط عربی تحریر شده‌اند. پدیده‌های خاص زبان‌های یونانی و صربی با نهایت دقت و با بهره‌گیری از نشانه‌های خاص، مثل اعراب‌گذاری، یادداشت شده‌اند. در این متن به زبان‌های خوارزم و ماوراءالنهر اشاره شده است و گویا اثری هم از گویش تاجیک در آن مشهود است.

Lazard, Gilbert. "Lumières nouvelles sur la formation de la langue persane: une traduction du Coran en persan dialectal et ses affinités avec le judéo-persan", in: S. Shaked & A. Netzer (eds), *Irano-Judaica II. Studies Relating to Jewish Contacts with Persian Culture Throughout the Ages*, Jerusalem, 1990, pp. 184-198.

در سال ۱۹۹۰، مجموعه‌ای در بیت المقدس منتشر شد به نام *مطالعات ایران و یهود*، که جلد دوم آن *مطالعات مربوط به تماس‌های یهود با فرهنگ ایرانی در طی اعصار* نام دارد و حاوی مقالاتی است در باب تأثیر و تأثر فرهنگ‌های یهود و ایرانی. یکی از آن مقاله‌ها نوشته‌ای است با عنوان طولانی «اطلاعات تازه در باب شکل‌گیری زبان فارسی: ترجمه‌ای از قرآن به یکی از لهجه‌های فارسی و پیوندهای آن با لهجه‌ی یهودیان ایران».

چندی پیش یک نسخه‌ی خطی قرآن با ترجمه‌ی میان‌سطری در گنجینه‌ی نسخ خطی آستان قدس

TEZCAN, Semih. "Über die Chaladsch-Forschung". *Forschungsforum: Berichte aus der Otto-Friedrichs-Universität* 2 (1990), pp. 74-76.

بحث مختصری است درباره‌ی گویش خلیج، که یک گویش ترکی است و عده‌ی کمی از ساکنان مناطق میانِ قم و ساوه به آن سخن می‌گویند. اول کسی که درباره‌ی این گویش سخن گفته است ولادیمیر مینورسکی است. پس از او، استادگرهارد دورفر تحقیقاتی در این باره کرد. وی ابتدا *واژگان و محدوده‌ی جغرافیایی خلیج‌ها* را انتشار داد (ویسبادن، ۱۹۸۷، ج ۲) و، پس از آن، *دستور زبان گویش خلیج* را (ویسبادن، ۱۹۸۸). مؤلف این مقاله عمدتاً درباره‌ی متون فرهنگ عامه‌ی خلیج کار می‌کند.

Teleqi, Zsigmond, "Humboldt über Persisch und Sprachgleichung" «نظر هومبولت درباره‌ی زبان فارسی و مقایسه‌ی زبان‌ها» in: *Iranica Varia...*, Leiden, Brill, 1990, pp. 248-255.

هومبولت، دانشمند آلمانی، در ضمن تحقیقات خود درباره‌ی تحولات زبان‌ها و روابط خانوادگی آنها، به زبان فارسی توجه فوق‌العاده پیدا کرد. او معتقد بود که از راه بررسی نظام دستوری زبان‌ها می‌توان به پیوندهای ریشه‌ای و خانوادگی زبان‌ها پی برد و زبان فارسی نمونه‌ی خوبی برای اثبات این ادعاست. او معتقد بود که زبان‌های فارسی و انگلیسی در زمینه‌ی تحول زبانی مسیر مشابهی پیموده‌اند. در این مقاله، که «نظر هومبولت درباره‌ی زبان فارسی و مقایسه‌ی زبان‌ها» نام دارد، مؤلف به توضیح عقاید هومبولت پرداخته است. □

ع. روح بخشان

است و حاوی معنی و وزن و تلفظ ۲۱۳۰ کلمه است. این کتاب از نظر فرهنگ‌نویسی و زبان‌شناسی دارای ارزش بسیار است. پائولا آرساتی این متن را به دقت مطالعه و کلمات هندی و اسامی خاص آن و نیز نام مؤلفان و کتبی را که در فرهنگ ذکر شده‌اند شناسایی و ضبط کرده است.

PAPER, Herbert H. "Joel in Judeo-Persian" in: C. E. Bosworth, ChIsawi, R. Savory & A. L. Udovich (eds.), *The Islamic World From Classical to Modern Times ...*, Princeton NJ, Darwin Press, 1989, pp. 259-267.

یوئیل یکی از انبیای بنی اسرائیل است و از کتابی که به او نسبت داده می‌شود ترجمه‌ای به زبان یهودیان فارسی زبان وجود دارد که تنها یک نسخه‌ی مورخ ۱۷۸۸ م آن در انستیتوی پُن-زوی بیت‌المقدس یافت می‌شود. این نسخه در مقاله معرفی شده است.

Shackle, Christopher & Snell, Ruppert. *Hindi and Urdu Since 1800* (هندی و اردو از سال ۱۸۰۰ به بعد) A Common Reader. London, SOAS, 1990, XVI, 222p.

این کتاب درآمدی است برای تحقیق در ادبیات هندی و اردو و ارزش آن از نظر مطالعات ایران شناسی در مقدمه‌ی آن است. در این مقدمه، ضمن بررسی تاریخ تحول زبان‌های هندی و اردو، که جدا از تاریخ سیاسی و اجتماعی هندوستان نیست، به نقش عمده و سازنده‌ی دوره‌ی تسلط مسلمانان بر هند اشاره شده است. از سوی دیگر، در این کتاب فصلی مشبع ولی روشن به بررسی عنصر فارسی زبان‌های هندی و اردو اختصاص یافته است.